

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرکز حقایق اسلامی

تحت اشراف حضرت آیت الله سید علی میلانی حفظه الله

<http://www.alhaqaeq.org>

چکیده

از چالش ها و شبهاتی که در سال های اخیر بر شیعیان وارد شده این مسئله است که حرکت و همایش عظیم پیاده روی در ایام اربعین سالار شهیدان اباعبدالله الحسین علیه السلام ریشه در اعتقادات و هدایتگری های ائمه اثنی عشر علیهم السلام ندارد و در این رابطه هیچگونه حدیث و روایت صحیح و قطعی وجود ندارد و پیاده روی اربعین ساخته کسانی است که از راه دین و مذهب نان می خورند. لذا در نظر داریم با جمع آوری و بررسی روایات و نظرات علمای تشیع به اثبات اعتقادی بودن حرکت پیاده روی اربعین پردازیم.

در این مقاله ثابت می شود که هرچند به ظاهر و تتبع سطحی دلیل خاص در مورد پیاده روی اربعین وجود ندارد ولی با توجه به دیگر روایات معصومین علیهم السلام در مورد قدم برداشتن برای رفتن به کربلا و زیارت قبر مبارک حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، پیاده روی اربعین یک امر اعتقادی و برگرفته از کلام و سیره معصومین و بزرگان و نیز عالمان دینی است و حتی از شعائر دینی می باشد که باید به آن ملزم بود.

واژگان کلیدی: تشیع امامی، احادیث، روایات، سیره علما، پیاده روی اربعین، علامت مومن،

زیارت امام حسین علیه السلام

مقدمه

برای بررسی این مسئله و رسیدن به پاسخی قانع کننده برای این سوال که پیاده روی اربعین از دیدگاه تشیع امامیه چگونه است؟ آیا روایات خاصی وجود دارد که سفارش و تاکید کرده باشند در ایام اربعین با پای پیاده به سمت کربلا حرکت کنید یا خیر؟ و همچنین باید به مسئله حضور داشتن یا نداشتن اهل بیت امام حسین علیهم السلام در روز اربعین در سرزمین کربلا پرداخت و بعد از آن سیره و نظریه ی بزرگان شیعه را در مورد اربعین و پیاده روی آن را بررسی کنیم تا ببینیم این شور و شوق حسینی چگونه و از چه تاریخی در بین شیعیان به وجود آمده است.

این موضوع علاوه بر تقویت باورهای شیعیان و جلوگیری از انحراف جوانان و پاسخ به شبهات دشمنان تشیع، می تواند خود یک خطکش و ترازویی برای شناخت و تشخیص دشمنان تشیع باشد، به گونه ای که اگر این حرکت جهانی ریشه در اعتقادات شیعیان داشته باشد پس امر مطلوب است و کسانی که با آن به مخالفت می پردازند، حداقل امر با کلمات و رفتار خود به دشمنان تشیع کمک می نمایند، و اگر پیاده روی اربعین ریشه در اعتقادات و افکار شیعیان نداشته باشد نشانه دسیسه چینی و سوء استفاده گری کسانی است که از باورهای شیعیان و انسان های مذهبی برای پیش برد اهداف خود و نان خوردن و حتی تخریب دین و مذهب از آن بهره می برند.

جایگاه زیارت امام حسین علیه السلام با توجه به روایات

در ابتدا به بررسی این مطلب می پردازیم ببینیم اصل زیارت امام حسین علیه السلام آیا مورد سفارش و تاکید معصومین علیهم السلام قرار گرفته است یا نه؟ و چه مقدار ارزش و ثواب برای آن بیان شده است.

۱. خیرخواهی خداوند: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الْخَيْرَ قَدَفَ فِي قَلْبِهِ حُبَّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ حُبَّ زِيَارَتِهِ وَ مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بِهِ الشُّوْءَ قَدَفَ فِي قَلْبِهِ بُغْضَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ بُغْضَ زِيَارَتِهِ.^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند: هرکسی که خداوند خیرش را بخواهد، حب امام حسین علیه السلام و حب زیارتش را در قلب او می اندازد و هر که را خداوند بدیش را بخواهد، بغض نسبت به امام حسین علیه السلام و بغض زیارت آن حضرت را در قلب او می اندازد.

۲. حسرت در روز قیامت: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا مِنْ أَحَدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا وَهُوَ يَتَمَنَّى أَنَّهُ زَارَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا يَرَى لِمَا يُصْنَعُ بِزُورِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ مِنْ كَرَامَتِهِمْ عَلَى اللَّهِ.^۲

از امام صادق علیه السلام روایت شده: هیچ کس نیست در روز قیامت مگر اینکه آرزو می کند ای کاش امام حسین علیه السلام را زیارت کرده بودم آن هنگامی که می بیند که با زوار امام حسین علیه السلام چه می کنند، چقدر نزد خداوند مورد کرامت واقع می شوند.

۳. زیارت خداوند: عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِشَطِّ الْفُرَاتِ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ.^۳

امام رضا علیه السلام فرمودند: هر کس اباعبدالله علیه السلام را کنار شط فرات زیارت کند، مانند کسی است که خداوند را در بالای عرش زیارت کرده است.

^۱ وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۴۹۶

^۲ وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۴۲۴

^۳ تهذیب الأحکام ج ۶ ص ۴۶

۴. همسایگی با اهل بیت علیه السلام: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ فِي جَوَارِ نَبِيِّهِ

وَ جَوَارِ عَلِيِّ وَ فَاطِمَةَ فَلَا يَدْعُ زِيَارَةَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ.^۴

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر که می خواهد در جوار پیامبرش صلی الله علیه وآله و جوار امام علی

علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام باشد، زیارت امام حسین علیه السلام را رها نکند.

۵. زیارتی بهتر از حج: عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ وَ اللَّهُ لَوْ أَنَّي حَدَّثْتُكُمْ فِي فَضْلِ

زِيَارَتِهِ لَتَرَكْتُمْ الْحَجَّ رَأْسًا وَ مَا حَجَّ أَحَدٌ وَ يَحْكُ أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ اتَّخَذَ كَرْبَلَاءَ حَرَمًا أَمِنًا مُبَارَكًا قَبْلَ أَنْ

يَتَّخِذَ مَكَّةَ حَرَمًا قَالَ ابْنُ أَبِي يَعْفُورٍ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَى النَّاسِ حَجَّ الْبَيْتِ وَ لَمْ يَذْكُرْ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ

قَالَ وَ إِنْ كَانَ كَذَلِكَ فَإِنَّ هَذَا شَيْءٌ جَعَلَهُ اللَّهُ هَكَذَا أَمَا سَمِعْتُمْ قَوْلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَ إِنَّ بَاطِنَ الْقَدَمِ أَحَقُّ بِالْمَسْحِ

مِنْ ظَاهِرِ الْقَدَمِ وَ لَكِنَّ اللَّهَ فَرَضَ هَذَا عَلَى الْعِبَادِ أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ الْإِحْرَامَ لَوْ كَانَ فِي الْحَرَمِ كَانَ أَفْضَلَ لِأَجْلِ الْحَرَمِ وَ

لَكِنَّ اللَّهَ صَنَعَ ذَلِكَ فِي غَيْرِ الْحَرَمِ.^۵

از امام صادق علیه السلام روایت شده: به خدا قسم، اگر در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام با شما

سخن می گفتم، قطعاً، حج را به طور کلی رها می کردید، و هیچکدام از شما حج نمی رفت، مگر نمی دانی که

خداوند سبحان قبل از اینکه مکه را حرم خود بگیرد، کربلا را حرم امن و مبارک خود گرفت، ابن ابی یعفور عرضه

داشت؛ خداوند حج بیت الله را بر مردم واجب نمود در حالی که ذکری از زیارت امام حسین علیه السلام نیاورد،

حضرت فرمودند: اگر چه این گونه است، چرا که این چیزی است که خداوند آن را چنین قرار داده است، آیا

نشنیده ای کلام امیرالمؤمنین علیه السلام را که: همانا کف پا (باطن قدم) سزاوارتر به مسح کشیدن نسبت به روی

پا می باشد، لیکن خداوند مسح ظاهر پا را بر بندگان واجب نموده است، آیا نمی دانی که احرام بستن اگر در حرم

بود، بهتر می بود، لیکن خداوند احرام بستن را در غیر حرم مفروض نمود.

^۴ وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۴۲۵

^۵ وسائل الشیعه ج ۱۴ ص ۵۱۴

احادیث در باب پیاده روی در زیارت امام حسین علیه السلام

ائمہ ہدی علیہم السلام بارہا در روایات خود، پیادہ روی بہ سمت حرم امام حسین علیہ السلام را توصیه کردہ اند و برای برداشتن ہر قدم بہ سوی آن اجر و مغفرت ویژه ای در نظر گرفتہ اند:

قدامة بن مالک از امام صادق علیہ السلام نقل می کند کہ حضرت فرمود: «مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ مُحْتَسِبًا لَا أُشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا سُمْعَةً مُحْصَتًا عَنْهُ ذُنُوبُهُ كَمَا يَمْضُضُ الثَّوْبُ فِي الْمَاءِ فَلَا يَبْقَى عَلَيْهِ دَنَسٌ وَ يَكْتَبُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةٌ وَ كَلَّمَا رَفَعَ قَدَمًا عُمْرَةً»^٦

کسی کہ حسین علیہ السلام را برای رضای خدا زیارت کند، نہ برای خوش گذرانی و تفریح و نہ بہ جهت کسب شہرت (و فخر فروشی)، گناہانش فرو می ریزد، همان طور کہ لباس در آب شستہ شدہ (و پاک می شود) و در نتیجہ، هیچ آلودگی بر او باقی نمی ماند و با ہر گامی کہ بر زمین می گذارد، حجّی برایش نوشتہ می شود و با ہر قدمی کہ برمی دارد، عمرہ ای برایش ثبت می گردد.

از حسین بن ثویر نقل شدہ کہ امام صادق علیہ السلام فرمود: «یا حسین! انّہ من خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ يَرِيدُ زِيَارَةَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامِ اِنْ كَانَ مَاشِيًا كَتَبَتْ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةٌ وَ مَجِي عَنْهُ سَيِّئَةٌ وَ اِنْ كَانَ رَاكِبًا كَتَبَتْ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَسَنَةٌ وَ حُطَّ بِهَا عَنْهُ سَيِّئَةٌ حَتَّى اِذَا صَارَ فِي الْحَيْرِ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْمُفْلِحِينَ الْمُنْجِحِينَ حَتَّى اِذَا قَضَى مَنَاسِكَهُ كَتَبَهُ اللَّهُ مِنَ الْفَائِزِينَ...»^٧

ای حسین! بہ درستی کہ ہر کسی از خانہ اش بہ قصد زیارت قبر حسین بن علی خارج شود، اگر پیادہ باشد، با ہر قدمی، حسنہ ای برایش نوشتہ شدہ و گناہی از او پاک می شود و اگر سوارہ باشد، با ہر قدمی، حسنہ ای برایش نوشتہ شدہ و بہ واسطہ آن گام، گناہی از او کنار گذاشتہ می شود تا بہ درب حائر

^٦ بحار الانوار ج ٩٨ ص ١٩

^٧ بحار الانوار ج ٩٨ ص ٢٨ / بہ همین مضمون تہذیب الأحکام ج ٦ ص ٤٣ ح ٨٩ / ثواب الأعمال ص ١١٦ ح ٣١ / المزار

حسینی برسد که در این صورت خداوند نام او را از جمله رستگاران و نجات یافتگان ثبت می کند و زمانی که آداب زیارت و اعمالش را به پایان برساند، خداوند نام او را در زمره برندگان می نویسد....

بشیر دَهان می گوید: در پایان یک گفت وگویی طولانی که با امام صادق علیه السلام داشتم، ایشان به من به من فرمود: «وَيَحْكُ يَا بَشِيرُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَتَاهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ وَ اغْتَسَلَ فِي الْفُرَاتِ كَتَبَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةٌ وَ عُمْرَةٌ وَ عُمْرَةٌ مَبْرُورَاتٌ مُتَقَبَّلَاتٌ وَ غَزْوَةٌ مَعَ نَبِيِّ أَوْ إِمَامٍ عَادِلٍ»^۸

ای بشیر! به درستی که مؤمن زمانی که به زیارت حسین بن علی علیهما السلام بیاید، در حالی که حَقَش را بشناسد و (پیش از زیارت) در فرات غُسل نماید، به ازای هر قدمی، حج و عمره ای مقبول و یک جهاد در رکاب پیامبر یا امام عادل برایش نوشته می شود.

ابوصامت از امام صادق علیه السلام نقل می کند: « مَنْ أَتَى الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامَ مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَ مَحَا عَنْهُ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ فَإِذَا أَتَيْتَ الْفُرَاتَ فَاغْتَسِلْ وَ عَلَّقْ نَعْلَيْكَ وَ امْشِ حَافِيًا وَ امْشِ مَشْيَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ فَإِذَا أَتَيْتَ بَابَ الْحَيْرِ فَكَبِّرِ اللَّهُ أَرْبَعًا»^۹

هر کسی پیاده به زیارت قبر حسین علیه السلام برود، خداوند برای هر قدمی هزار حسنه نوشته و هزار گناه از او پاک می کند و رتبه اش هزار درجه بالا می رود. پس هرگاه به فرات رسیدی، غسل کن و کفش هایت را درآور و پابرهنه راه برو؛ به مانند عبد ذلیل راه برو؛ پس وقتی به درب حَرَم رسیدی، چهار بار تکبیر بگو و کمی راه برو و دوباره چهار بار تکبیر بگو.

از حسین بن سعید نقل شده است که از امام صادق علیه السلام درباره زائر قبر حسین علیه السلام سؤال شد. حضرت در پاسخ فرمود: «فَقَالَ مَنْ اغْتَسَلَ فِي الْفُرَاتِ ثُمَّ مَشَى إِلَى قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ يَرْفَعُهَا وَ يَضَعُهَا حَجَّةٌ مُتَقَبَّلَةٌ بِمَنَاسِكِهَا»^{۱۰}

^۸ بحار الانوار ج ۹۸ ص ۱۴۳

^۹ بحار الانوار ج ۹۸ ص ۱۴۳ / کامل الزیارات ص ۲۲۱ ح ۱۴

^{۱۰} بحار الانوار ج ۹۸ ص ۱۴۷

هر آن که در فرات غسل کند و سپس با پای پیاده به سوی مرقد حسین علیه السلام برود، به ازای هر قدمی که برمی دارد و بر زمین می گذارد، حجّی مقبول با تمام اعمال و مناسک برای او خواهد بود. در این رابطه میتوانید با مراجعه به جلد ۹۸ کتاب شریف بحارالانوار احادیث دیگر را نیز مشاهده فرمایید.

احادیث در باب زیارت اربعین

با بررسی و تحقیق و تفحصی که در بین احادیث صورت گرفت، در باب زیارت اربعین فقط سه روایت یافتیم که در آنها اشاره به زیارت اربعین شده است؛ در دو حدیث از آنها به اصل زیارت اربعین سیدالشهدا علیه الصلاة و السلام اشاره شده است و در حدیث سوم طریقه و چگونگی زیارت اربعین بیان شده است.

حدیث اول: در کتبی همچون کتاب المزار شیخ مفید رحمت الله علیه و کتاب شریف تهذیب الاحکام و همچنین در دیگر کتب نیز بیان شده است که امام حسن عسکری علیه الصلاة و السلام میفرماید: وَ رُوِيَ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ خَمْسٌ صَلَاةُ الْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّخْتُّمُ فِي الْيَمِينِ وَ تَعْفِيرُ الْجَبِينِ وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.^{۱۱}

نشانه های مومن پنج چیز است: اول پنجاه رکعت نماز (واجب و نافله) روزانه، دوم زیارت اربعین سیدالشهدا علیه الصلاة و السلام، سوم انگشتر در دست راست کردن، چهارم سر بر خاک گذاشتن، پنجم با صدای بلند بسم الله الرحمن الرحيم گفتن.

در این حدیث به وضوح تاکید بر زیارت اربعین در کلام امام حسن عسکری علیه السلام دیده میشود که حتی حضرت آن را از علامات و نشانه های شناخت یک مومن میدانند و اگر کسی میخواهد این نشانه ی ایمان را داشته باشد باید حداقل یک بار برای زیارت اربعین را درک کند.

^{۱۱} کتاب المزار_مناسک المزار(للمفید) النص باب فضل زیارة الأربعین ص ۵۳/ تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان) ج ۶

حدیث دوم: امام صادق سلام الله علیه نیز در روایتی دیگر فرمودند: عن مفضل بن عمر: كان الإمام جعفر بن محمد الصادق عليه السلام جالساً... فقام إليه أبو نصير وصفوان الجمال، فقالا: جعلنا الله فداك، دلنا على شيعتكم. فقال عليه السلام: «يعرف شيعتنا بخصال شتى». فقلت: جعلت فداك، بماذا يعرفون؟ قال: «بالسخاء... وزيارة الأربعين...»^{۱۲}.

مفضل بن عمر می گوید: امام صادق سلام الله علیه نشسته بودند... ابونصیر و صفوان جمال به نزد ایشان آمدند و عرضه داشتند: فدایت شویم، ما را به (نشانه) شیعیان راهنمائی بفرما. آن حضرت پاسخ دادند: شیعیان ما نشانه های مختلفی دارند. به حضرت عرضه کرد: فدایت شوم به چه نشانه ای شناخته ای می شوند؟ (حضرت ضمن شمردن چند نشانه) فرمودند: به سخاوت... و زیارت اربعین.

حدیث سوم: روایتی است که حضرت صادق علیه الصلاة والسلام برای این روز دستور عملی را برای دوستان و مخلصین بیان فرموده اند: عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: قَالَ لِي مَوْلَايَ الصَّادِقُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فِي زِيَارَةِ الْأَرْبَعِينَ تَزَوُّرٌ عِنْدَ اِرْتِفَاعِ النَّهَارِ وَتَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيَّ وَوَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ السَّلَامُ عَلَيَّ حَلِيلِ اللَّهِ...^{۱۳}

صفوان بن مهران نقل میکند که مولایم امام صادق سلام الله علیه پیرامون زیارت اربعین چنین فرمودند: هنگامی که وسط روز شد، بگو: سلام بر حبیب و ولی خدا، سلام بر دوست و برگزیده خدا، سلام بر منتخب خدا و فرزند منتخب - تا آخر زیارت.

هر چند این سه روایت از نظر سندی دارای اشکال ارسال در سند هستند ولی چون علمای جلیل القدری مثل شیخ طوسی و شیخ مفید و... آن را نقل کرده اند و از باب تسامح در ادله سنن این روایات پذیرفته میشود و مورد قبول واقع میشود.

تا به اینجای این تحقیق نتیجه میگیریم که اصل زیارت اربعین سیدالشهدا علیه السلام مورد تایید است و در کلام معصومین به آن اشاره شده است ولی در مورد پیاده رفتن برای زیارت اربعین در کلام حضرات معصومین

^{۱۲} العقد النضيد والدر الفريد في فضائل أمير المؤمنين وأهل بيت النبي عليهم السلام، ص ۶۷

^{۱۳} تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان) ج ۶ زیارة الأربعين ص ۱۱۳

عليهم السلام چیزی بیان نشده است یعنی تنها با این یک روایت مشروعیتی برای پیاده رفتن به زیارت اربعین وجود ندارد و فقط اصل زیارت اربعین امام حسین علیه السلام مورد توجه و تاکید قرار گرفته است.

حضور کاروان اسرا در روز اربعین در کربلا

بحث بعدی که باید در مورد آن مدارک و دلایل ارائه دهیم بحث اثبات حضور اهل بیت علیهم السلام کنار قبر امام حسین علیه السلام و یاران آن حضرت در اربعین است که به نظر امری قطعی و بدون شک اتفاق افتاده هر چند در بین علما بحث هایی مطرح است که آیا قبل از رفتن اسرا به شام این اتفاق صورت گرفته است یا در مسیر بازگشت از شام؛ و آیا در اولین اربعین (۴۰ روز بعد از عاشورا) امام حسین صلوات الله علیه صورت گرفته است یا در دومین اربعین (۸۰ روز بعد از عاشورا) ولی به هر حال این جریان اتفاق افتاده است و کاروان اسراء که در بین آنها دو معصوم یعنی علی بن حسین علیهما السلام و محمد بن علی علیهما السلام حضور داشته است به کربلا آمدند و به زیارت سالار شهیدان پرداختند.

اما برای اثبات حضور اهل بیت آن حضرت در اربعین بر سر قبر مطهر امام حسین علیه السلام نمونه ای از اقوال بزرگان و قرینه ای را بیان مینماییم:

أبو ریحان بیرونی متوفای ۴۴۰ هـ نیز قضیه برگشت اهل بیت علیهم السلام از شام را چنین بیان می کند: وفي العشرين ردّ رأس الحسين عليه السلام إلى جثته حتى دفن مع جثته، وفيه زيارة الأربعين وهم حرمه، بعد انصرفهم من الشام.^{۱۴}

و در روز بیستم ماه صفر، سر نورانی امام حسین علیه السلام به بدن مبارک او برگشت داده شد تا اینکه با بدن او دفن شد و در آن روز، زیارت اربعین است در حالی که اهل بیت او بعد از برگشت از شام به زیارت آن حضرت آمدند.

^{۱۴} الاثار الباقیه عن القرون الخالیه، ص ۴۲۲

شیخ طوسی (متوفای ۴۶۰ ق.هـ) علت سنت شدن زیارت امام حسین علیه السلام در اربعین را تنها انجام

مراسم تدفین سرهای مطهر امام علیه السلام و سایر شهدا در کربلا می داند^{۱۵}

سید بن طاووس رضوان الله تعالی علیه متوفای ۶۶۴ هـ با توجه به قرینه ی دیدار اهل بیت علیهم السلام

با جابر بن عبدالله انصاری، اشاره به رسیدن اهل بیت علیهم السلام در اولین اربعین مینماید، که تفصیل قضیه را

چنین بیان می کند: فَوَصَّلُوا إِلَيَّ مَوْضِعِ الْمَصْرَعِ فَوَجَدُوا جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ رَحِمَهُ اللَّهُ وَجَمَاعَةً مِنْ بَنِي

هَاشِمٍ وَرِجَالًا مِنْ آلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ وَرَدُوا لِيُزَيِّرَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَوَافُوا فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ

وَتَلَقَّوْا بِالْبُكَاءِ وَالْحُزْنِ وَاللَّطْمِ وَأَقَامُوا الْمَآتِمَ الْمُتْرَحَةَ لِلْأَكْبَادِ.^{۱۶}

اهل بیت علیهم السلام چون به قتلگاه رسیدند، جابر بن عبد الله انصاری و جمعی از بنی هاشم و مردانی

از آنها را یافتند که برای زیارت قبر حسین علیه السلام فرا رسیده بودند، همگان در یک زمان به عزاداری و نوحه

سرایبی پرداختند و سوگواری جگرسوزی بر پا نمودند، و زنان آن آبادی نیز با ایشان به عزاداری پرداختند و چند روز

در کربلا اقامت کردند.

شیخ فقیه ابن نما حلی - جعفر بن محمد بن جعفر - (متوفای اواخر قرن هفتم) نسبت به ورود اهل بیت

علیهم السلام به کربلا و ملاقاتشان با جابر تصریح نموده است.^{۱۷}

از آنجایی که همه ی علما و بزرگان شیعه که اعتقاد دارند سر مبارک امام حسین علیه السلام به کربلا

برگردانده شده است بر این باور هستند که این کار توسط امام سجاد علیه السلام صورت گرفته است، پس به

ضمیمه این بیان شیخ طوسی نشان میدهد که امام سجاد علیه السلام در روز اربعین در کربلا حضور داشته اند.

^{۱۵} به نقل از مرحوم محدث قمی، نفس المهموم، ص ۴۶۶؛ و شهید قاضی، تحقیق درباره اولین اربعین حضرت سیدالشهدا، ص ۳۴۱

^{۱۶} مقتل الحسين عليه السلام المسمى باللّهوف في قتلى الطفوف، ص ۱۱۴ مثير الاحزان، ص ۵۹؛ به نقل از شهید قاضی، تحقیق

درباره اولین اربعین حضرت سیدالشهدا، ج ۲، ص ۲۰، و نیز سید مقرر، ص ۴۶۹

^{۱۷} توضیح المقاصد، ص ۷

شیخ بهائی متوفای ۱۰۳۱ هـ در مقام بیان بیستم ماه صفر و آمدن جابر و اهل بیت علیهم السلام به سرزمین کربلا چنین می نویسد: وفي هذا اليوم و هو يوم الأربعاء من شهادته عليه السلام كان قدوم جابر بن عبد الله الأنصاري رضی الله عنه لزيارته عليه السلام و اتفق في ذلك اليوم ورود حرمه عليه السلام من الشام إلى كربلاء قاصدين المدينة على ساكنها السلام والتحية.^{۱۸}

و در این روز یعنی چهل روز بعد از شهادت امام حسین علیه السلام جابر بن عبدالله انصاری رضی الله عنه به زیارت آن حضرت آمد و اتفاقاً در این روز حرم امام حسین علیه السلام (منظور اهل بیت علیهم السلام) که از شام به کربلا آمدند در حالی که عازم مدینه بودند به زیارت آن حضرت آمدند. و همچنین عالم شریف سید عبد الرزاق مقرر در کتاب مقتل الحسين عليه السلام چنین می نویسد: اهل بیت علیهم السلام در کربلا با جابر ملاقات کردند.^{۱۹}

از آنجایی که همه علما و بزرگان شیعه اتفاق نظر دارند که جابر بن عبدالله انصاری در روز اربعین وارد کربلا شد - توضیح کامل حضور جابر بن عبدالله انصاری در کربلا در ادامه مقاله بیان میشود- و از طرفی در تاریخ زمان دیگری برای حضور امام سجاد علیه السلام در عراق ذکر نشده است پس میتوان نتیجه گرفت که اهل بیت هم در روز اربعین وارد کربلا شده بودند که با جابر بن عبدالله انصاری دیدار کردند.

ادله بر حضور اهل بیت در کربلا در روز اربعین

در مورد استحباب زیارت اربعین دو مورد بیان شده است یکی روایت امام حسن عسکری علیه السلام که زیارت اربعین را نشانه مومن دانسته است و دیگری تعلیم زیارت اربعین به صفوان از سوی امام صادق علیه السلام؛ پرسشی که مطرح میشود این است که آیا میتواند وجه و انگیزه استحباب، حضور یک

^{۱۸} مقتل مقرر، ص ۴۶۷

^{۱۹} مسار الشیعه، ص ۴۶

صحابی بر قبر امام حسین علیه السلام باشد یا در این روز باید وقایع دیگری اتفاق افتاده باشد؟ بنابراین همانطور که بزرگانی همچون شیخ طوسی به این مطلب اشاره فرموده اند، برای استحباب این روز دلیل دیگری وجود دارد و آن هم الحاق سر امام حسین علیه السلام به بدن مبارکشان و حضور اهل بیت علیهم السلام که در بین آنها امام معصوم وجود دارد می تواند دلیل بر استحباب باشد نه حضور یک صحابی.

سیره صحابی بزرگ پیامبر، جابر بن عبدالله انصاری

عنوان نخستین زائر تنها بر مردی شریف و عارفی کامل یعنی صحابی بزرگ و برجسته، جابر بن عبد الله انصاری-رضوان الله علیه- منطبق است که به منظور زیارت قبر سید الشهداء علیه السلام از مدینه به کربلا رفت. بسیاری از علما تصریح کرده اند که او نخستین کسی است که عنوان زائر قبر حسین علیه السلام را کسب کرد؛ این شرافت و افتخار و ذخیره او را بس است.

شیخ مفید گوید: و در روز بیستم آن ماه (صفر)... روزی است که جابر بن عبدالله بن انصاری، صحابی رسول خدا صلی الله علیه و آله برای زیارت قبر ابا عبدالله الحسین علیه السلام از مدینه به کربلا آمد؛ و او نخستین کسی از مردم بود که آن حضرت را زیارت کرد.^{۲۰} و این مطلب را بسیاری از دانشمندان، از جمله شیخ طوسی، علامه حلی، شیخ رضی الدین حلی، کفعمی، مجلسی، محدث نوری و دیگران آورده اند.

شخصیت جابر بن عبدالله انصاری

در مورد شخصیت جابر به طور خلاصه بیانی عرض مینماییم تا خواننده جایگاه جابر را در نزد اهل بیت علیهم السلام بداند.

جابر کسی است که پیامبر به او سفارش میکند که سلام من رسول الله را به فرزندم محمد باقر علیه السلام برسان. جابر بن عبدالله انصاری نقل میکند که پیامبر فرمود: يوشك أن تبقي حتى تلقى ولدًا لي من الحسين يقال له مُحَمَّدٌ يُبْقِرُ عِلْمَ الدِّينِ بَقْرًا فَإِذَا لَقِيْتَهُ فَأَقْرِئْهُ مِنِّي السَّلَامَ.^{۲۱} از پیامبر اکرم شنیده بودم که تو چندان عمر می کنی که فرزندی از ذریه من و هم نام من را ملاقات می کنی، او شکافنده علم (ببقر العلم بقرًا) است، پس سلام مرا به او برسان.

محمد بن مسلم و زراره، که هر دو از اصحاب ممتاز و برجسته امام باقر و امام صادق علیهما السلام هستند، درباره چند حدیث از امام باقر علیه السلام سوال پرسیدند. حضرت آن احادیث را از جابر بن عبد الله انصاری برای آنان حکایت کرد. آن دو به اعتراض گفتند: ما چه کار به جابر داریم؟! حضرت فرمود: «ایمان جابر بدان پایه است که از تأویل این آیه که مربوط به رجعت پس از مرگ است، آگاه است: {إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ.^{۲۲} سَأَلْنَا أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَحَادِيثَ فَرَوَاهَا عَنْ جَابِرٍ، فَقُلْنَا مَا لَنَا وَ لِجَابِرٍ! فَقَالَ: بَلَغَ مِنْ إِيمَانِ جَابِرٍ أَنَّهُ كَانَ يَقْرَأُ هَذِهِ الْآيَةَ- إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ.

ماجرای تشریف جابر به کربلا

شیخ ابو جعفر محمد بن ابی القاسم، محمد بن علی طبری از اعمش از عطیه عوفی چنین نقل می کند: همراه با جابر بن عبدالله انصاری برای زیارت قبر حسین علیه السلام حرکت کردم. و چون به قبر نزدیک شد سه بار گفت: یا حسین _ علیه السلام _ سپس گفت: آیا دوستی پاسخ دوستش را نمی دهد؟! و

^{۲۱} الارشاد للمفید، ج ۲، ص ۱۵۹

^{۲۲} قصص آیه ۸۵

^{۲۳} بشارة المصطفی لشيعة المرتضى ج ۲ ص ۷۴ مجيء جابر الأنصاري لزيارة الحسين «ع»

افزود: تو چگونه می توانی پاسخ دهی، و حال آنکه رگ های گردنت را بریده اند و میان پیکر و سرت جدایی افتاده است.

آن گاه چشم ها را دور قبر گرداند و گفت: سلام بر شما که در راه حسین علیه السلام فدا شدید و در رکابش جان باختید. به خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برگزید سوگند که ما نیز در آنچه انجام دادید شریکیم.

عطیه گوید: به او گفتم: ای جابر چگونه؟ و حال آنکه ما در دشتی فرود نیامدیم و از کوهی بالا نرفتیم و شمشیری نزدیم و این گروه میان سرها و پیکرهایشان جدایی افتاده است. فرزندانشان یتیم و زنانشان بیوه شده اند! گفت: ای عطیه! از حبیبم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: هر کس گروهی را دوست بدارد با آنان محشور می گردد و هر کس ازکار گروهی راضی باشد، با آنان شریک است. به خدایی که محمد را به حقّ به پیامبری برگزید، نیت من و نیت یارانم بر آن کاری است که حسین علیه السلام و یارانش کردند.^{۲۴}

سیره و نظر بزرگان شیعه در مورد زیارت و پیاده روی اربعین

مراسم پیاده روی در عصر مرجعیت شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴ق) نیز با شکوه تمام رواج داشت و پس از وی، کم کم به فراموشی سپرده شد و عملی کم ارزش تلقی گردید؛ به طوری که به طبقه فقرا و نیازمندان اختصاص یافت؛ اما بعدها محدث نامدار، میرزای حسین نوری، این مراسم را در میان مردم رونق بخشید. مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی که از نزدیک شاهد تلاش استادش بوده، می نویسد: استاد ما چون وضع را بدین منوال دید، به این شیوه خدایسندانه (پیاده روی) همت گماشت و به آن ملتزم گشت.^{۲۵}

^{۲۴} آقابزرگ تهرانی، نقباء البشر ج ۱ ص ۳۴۹ / رضا مختاری، سیمای فرزنانگان ص ۱۹۳

^{۲۵} سید محسن امین، اعیان الشیعه ج ۱۰ ص ۳۵۹

سید محسن امین (۱۲۸۱ق) صاحب «اعیان الشیعه» در این باره می نویسد: به مدت ده سال و نیم که در نجف بودم، زیارت های مخصوص عاشورا، عید قربان و غدیر و عرفه و اربعین را همواره انجام می دادم.^{۲۶}

حضور علامه امینی رحمت الله علیه (۱۳۲۰ق): یکی دیگر از شخصیت های برجسته حوزه که به طور مرتب، در این مراسم شرکت می کرد، علامه امینی مؤلف کتاب ارزشمند «الغدیر» بود که در این سفرها، همواره تعدادی از مؤمنین او را همراهی می کردند.^{۲۷}

قاضی طباطبایی (۱۳۳۲ق) در کتاب تحقیق درباره اول اربعین سیدالشهداء می نویسد: حرکت به سوی کربلا در روز اربعین از زمان ائمه اطهار علیهم السلام در بین شیعیان رایج بوده است و شیعیان حتی در زمان بنی امیه و بنی عباس نیز به این حرکت مقید بوده اند.

آیت الله العظمی وحید خراسانی (۱۳۳۸ق) توصیه دارند بر اینکه این زیارت اربعین به نیابت از معصومین علیهم السلام باشد و ایشان بر قدرشناسی از این نعمت تأکید داشته و به زائران سفارش می کنند: مراقب باشند که خود را آلوده نکنند، و خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را هرگز فراموش نمایند.^{۲۸}

مرحوم آیت الله ملکوتی (۱۳۴۲ق) یکی از مراجع و استادان برجسته حوزه نجف می گوید: من نیز چند بار توفیق یافتم که در این مراسم بسیار معنوی، شرکت کنم و اغلب به همراه شاگردان مشرف می شدم.

آیت الله العظمی شبیری زنجانی (۱۳۴۶ق) پیاده روی اربعین را تجلی عظمت شیعه می داند و می گوید: پیاده روی اربعین تبلیغ شریعت و تبلیغ ولایت حضرات معصومین علیهم السلام است. دشمنان و

^{۲۶} علامه امینی، جرعه نوش غدیر ص ۴۰

^{۲۷} قاضی طباطبایی، تحقیق درباره اول اربعین ۱۳۶۸ش ص ۲، و طبق فایل پی دی اف ص ۳۰.

^{۲۸} خاطرات آیت الله ملکوتی، تهران، ص ۱۷۴

ظالمان و این گروه های تکفیری در مقابل این قدرت وحشت می کنند. این پیاده روی نشانه عظمت تشیع است و من آرزو داشتم توان جسمی ام به قدری بود که می توانستم در پیاده روی شرکت کنم.

امام موسی صدر (۱۳۴۶ق) ، رهبر شیعیان لبنان، یکی از شیفتگان مراسم پیاده روی از نجف به کربلا بود. مرحوم آیت الله سید محمدعلی موحد ابطحی، یکی از عالمان بزرگ اصفهان که در نجف با امام موسی صدر هم بحث بود، می گوید: وقتی که امام موسی صدر همراه ما با پای پیاده از نجف به کربلا می رفت، در این سفر، حضوری عاشقانه داشت.

آیت الله العظمی سید علی سیستانی (۱۳۴۸ق) در رابطه با بهتر برگزار شدن این مراسم معنوی سفارشاتى دارند که خود دلالت میکند بر اینکه همایش پیاده روی اربعین مورد تایید ایشان می باشد.^{۲۹}

آیت الله حاج آقا مصطفی خمینی (۱۳۴۸ق) نیز از عالمان و استادان نجف بود که همواره در مراسم پیاده روی حضوری پیوسته و جدی داشت. او مقید بود که در تمام ایام زیارت های مخصوص امام حسین علیه السلام (اول و نیمه رجب، نیمه شعبان، عرفه و به خصوص اربعین) پیاده از نجف به کربلا برود.^{۳۰}

در میان مراجع تقلید، حضور آیت الله العظمی سید محمود شاهرودی (۱۳۶۷ق) ، زبانزد همگان بود. معروف است که وی در این مراسم، با پای پیاده از نجف خارج می شد و به سوی کربلا حرکت می کرد و حتی ایشان در بازگشت هم پیاده به نجف بازمی گشت. معروف است که این مرجع بزرگ، چهل سفر با پای پیاده به زیارت امام حسین علیه السلام مشرف شده است.

همچنین تصویری از مرحوم حضرت آیت الله میرزاد جواد تبریزی ره و آیت الله سید محمد شاهرودی دام ظلله و آیت الله سید ابوالقاسم خویی ره و سید محمد سعید حکیم و سید احمد خمینی موجود است که در مسیر پیاده روی اربعین در حال حرکت کردن به سوی کربلا هستند.

^{۲۹} حدیث رویش ص ۱۴۹

^{۳۰} خاطرات سید علی اکبر محتشمی، ص ۱۷۵

پس طبق تمامی احادیث و روایات در مورد پیاده رفتن به کربلا در روز اربعین دلیلی نداریم؛ ولی پیاده روی اربعین جزو سیره علما و شیعیان قرار گرفته است، چرا در بین علما و شیعیان سنت شده است که برای زیارت اربعین با پای پیاده به کربلا میروند؟

برای این کار دو دلیل می توان آورد:

زیارت اربعین علامت مومن است و خاصیت علامت هویدا و پیدا بودن و در چشم بودن است پس با این حرکت این علامت را نمایان می کنیم چنانکه برخی از علما و بزرگان شیعه به آن اشاره کرده اند:

الف: مرحوم آیت الله العظمی بهجت فومنی درباره نقش پیاده روی روز اربعین فرموده اند: «روایت دارد که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که ظهور فرمود، پنج ندا می کند به اهل عالم، آلا یا اهل العالم إِنَّ جَدِي الْحُسَيْن قَتَلُوهُ عَطْشَانًا، آلا یا اهل العالم إِنَّ جَدِي الْحُسَيْن سَحَقُوهُ عِدْوَانًا... امام زمان خودش را به واسطه امام حسین علیه السلام به همه عالم معرفی می کنند ... بنابراین در آن زمان باید همه مردم عالم، حسین علیه السلام را شناخته باشند... اما الان هنوز همه مردم عالم، حسین علیه السلام را نمی شناسند و این تقصیر ماست، چون ما برای سیدالشهدا علیه السلام طوری فریاد زدیم که همه عالم صدای ما را بشنود، پیاده روی اربعین بهترین فرصت برای معرفی حسین علیه السلام به عالم است.

ب: آیت الله العظمی صافی گلپایگانی هم درباره ثواب پیاده روی اربعین حسینی می فرمایند: «حضور میلیونی زائران با پای پیاده از شرق و غرب و دور و نزدیک به سوی کربلای مقدس، کنگره عظیمی است که به دنیا اعلام می کند راه حسین و اهداف او جاودان و فراموش ناشدنی است و شهدای این راه شهدای حق و شهادت و قهرمانی هستند، خداوند آنها را با اصحاب حسین محشور کند که جان خود را فدای حسین علیه السلام کردند و رحمت خدا بر آنها و جان پاکشان باد.

ج: آیت الله العظمی نوری همدانی، اجتماع ۲۰ میلیونی شیعیان جهان در عزاداری اربعین را اجتماعی بی نظیر می خواند و می گوید: اجتماع اربعین حسینی، نمایش قدرت اسلام، ایمان و نظام

است. مهمترین شعار این اجتماع بزرگ به تبعیت از سرور آزادگان جهان، شعار هیئات منالذله است. او با اشاره به بی نظیر بودن این اجتماع بزرگ، تصریح می کند: بعد از این اجتماع حدود ۲۰ میلیونی، اجتماع ۲ تا ۳ میلیونی حج تمتع قرار دارد که هر دو مایه مباهات مسلمانان هستند.

د: آیت الله صافی گلپایگانی در دیدار با برخی مسوولین با بیان اینکه راهپیمایی اربعین در دنیا نظیر ندارد، فرمودند: شکوه راهپیمایی اربعین در همه جا انعکاس می یابد و دنیا با مشاهده آن بیش از گذشته به عظمت اسلام پی می برند و برنامه ای الهی و خالصانه است که موجب می شود حقیقت قیام سیدالشهدا بیش از پیش روشن شود.^{۳۱}

ه: آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، با استناد به حدیث علامت های پنج گانه مؤمن می فرمودند: بر مراقبه کننده لازم است که بیستم صفر (اربعین) را برای خود روز حزن و ماتم قرار داده، بکوشد که امام شهید را در مزار حضرتش زیارت کند؛ هرچند تنها یک بار در تمام عمرش باشد.

تمسک میکنیم به روایاتی که اجر و ثواب داشتن پیاده رفتن به زیارت کربلا را بیان میکنند در جمع این ادله می توان برای پیاده روی اربعین مشروعیت قائل شد.

نتیجه گیری

با توجه به مطالب مذکور می توان این نتیجه را گرفت که هرچند در مورد پیاده روی زیارت اربعین حدیث و روایت خاص نداریم ولی با توجه به سیره امام سجاد علیه السلام در رفتن به کربلا و تاکید روایات معصومین علیهم السلام به زیارت اربعین و از طرفی در روایات دیگر بهترین و بالاترین مقام و ثواب در زیارت کربلا، اباعبدالله الحسین علیه السلام با پای پیاده رفتن و قدم قدم زدن معرفی شده است؛ چه نیکو و خوب است که

شیعیانی که برای زیارت اربعین به کربلا می روند به بالاترین درجه و مقام و پاداش برسند و بین این دو دسته روایات جمع کنند و تا هم ثواب زیارت اربعین را درک کنند و هم ثواب پیاده رفتن به کربلا.

بر این اساس است که شیعیان هر ساله این حرکت عظیم و زیبا را با پای پیاده نمایش میدهند که دست آوردن مقام و منزلت و پاداش زیارت و پیاده روی این نشانه و نماد و علامت مومن را به همگان نشان دهد و همانطور که حضرت حجت بن الحسن المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در هنگام ظهور خود را با نام جدشان معرفی میکنند لذا شیعیان حسینی با این حرکت سعی در معرفی کردن عظمت امام حسین علیه السلام به جهانیان دارند تا با این کار زمینه را برای ظهور حضرت بقیه الله الاعظم فراهم سازند، و این حرکت عظیم برخلاف گفته معاندین هیچ خلاف مذهب و سوء استفاده گری و دیگر مطالبی که می گویند نمی باشد بلکه برگرفته از سیره معصومین و یاران خاص ائمه علیهم السلام و مورد تأکید علماء تشیع است.

منابع و مأخذ

اباذرى، عبدالرحيم ، خاطرات آيت الله ملكوتى، تهران، مركز اسناد انقلاب اسلامى، سال نشر ۱۳۸۵

اباذرى، عبدالرحيم ، امام صدر اميد محرومان، ناشر جوانه رشد، سال ۱۳۸۱ چاپ اول

ابن بابويه، محمد بن على، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، دار الشريف الرضى للنشر، سال چاپ ۱۴۰۶

ق، نوبت چاپ دوم

ابن قولويه، جعفر بن محمد، كامل الزيارات، دار المرتضوية، سال چاپ ۱۳۵۶ ش، نوبت چاپ اول

ابوريحان بيرونى، محمد بن احمد، (متوفى: ۴۴۰ هـ)، الاثار الباقية عن القرون الخالية، التحقيق

والتعليق: پرويز اذكائى، مركز نشر ميراث مكتوب - تهران، ۱۳۸۰ ش.

الحسينى، على بن موسى بن جعفر بن محمد بن طاووس، (متوفى: ۶۶۴ هـ)، مقتل الحسين عليه السلام

المسمى باللّهوف فى قتلى الطفوف، ص ۱۱۴، دار النشر: أنوار الهدى - قم - ايران، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ

السيد محسن الأمين، أعيان الشيعة، دار التعارف للمطبوعات - بيروت - لبنان

الشيخ البهائى العاملى، (متوفى: ۱۰۳۱ هـ)، توضيح المقاصد، دار النشر: مكتب آية الله العظمى

المرعشى النجفى - قم، ۱۴۰۶ هـ.

شيخ حر عاملى، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، سال چاپ ۱۴۰۹ ق،

نوبت چاپ اول

رحيميان، محمد حسن، حديث رويش، خاطرات و يادداشت هاى حجه الاسلام و المسلمين محمد حسن

رحيميان، مركز اسناد انقلاب اسلامى، تاريخ نشر ۱۳۸۳

طبرى آملى، عماد الدين أبى جعفر محمد بن أبى القاسم، بشارة المصطفى لشيعة المرتضى (ط -

القديمة)، ناشر: المكتبة الحيدرية، سال چاپ ۱۳۸۳ ق، نوبت چاپ دوم

طوسى، محمد بن الحسن، تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان)، دار الكتب الإسلاميه، سال چاپ

۱۴۰۷ ق، نوبت چاپ چهارم

قاضى طباطبايى، سيد محمدعلى، تحقيق دربارہ اول اربعين سيدالشهدا عليه السلام، وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامى، چاپ ۱۳۸۵

قمى، محمد بن حسن، متوفى قرن ۷ هـ، العقد النضيد والدر الفريد فى فضائل أمير المؤمنين

وأهل بيت النبى عليهم السلام، التحقيق: على أوسط الناطقى، دار الحديث، قم، ۱۴۲۲ ق، ۱۳۸۰ هـ.

مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، بحار الأنوار (ط - بيروت)، دار إحياء التراث العربى، سال

چاپ ۱۴۰۳ ق، نوبت چاپ دوم

محتشمى، سيد على اكبر، ناشر كتاب حوزة هنرى سازمان تبليغات اسلامى، سال نشر ۱۳۷۶

مفيد، محمد بن محمد، كتاب المزار - مناسك المزار (للمفيد)، كنگره جهانى هزاره شيخ مفيد -

رحمة الله عليه، سال چاپ ۱۴۱۳ ق، نوبت چاپ اول

مفيد، محمد بن محمد، مسار الشيعة فى مختصر تواريخ الشريعة، مكتب آية الله العظمى

المرعشى النجفى - قم

مفيد، محمد بن محمد، الإرشاد فى معرفة حجج الله على العباد، ناشر كنگره شيخ مفيد، سال

چاپ ۱۴۱۳ ق، نوبت چاپ اول

مقرم، عبدالرزاق، مقتل مقرم، مؤسسه الخراسان للمطبوعات، بيروت لبنان

ميرزا جواد آغا الملكى التبريزى، المراقبات (أعمال السنة)، شر مؤسسة دار الاعتصام للطباعة

والنشر والتحقيق، سال چاپ ذى الحجة ۱۴۱۶